

شاخص های محیط امنیتی در سطح بین المللی

علی حسینی تاش^۱

محمدرضا شعبانی^۲

چکیده

بررسی شاخص های امنیتی محیط بین الملل که مبتنی بر سیاست بین الملل در نزد هر کدام از بازیگران شکل می گیرد سعی دارد که به بهترین وجه منافع ملی آنها را تأمین کند و چنانچه محیط را مکانی جغرافیا مدار که تابعیت رفیع نیازهای انسانی و اجتماعی شدن او، در قالب اهداف مشخص و سیستمی تعریف کنیم باید بدانیم تا بتواند امکان هویت جمعی را تحقق بخشد، لذا بازیگران محیط در صحنه بین الملل به صورت آرمانی در پی قابلیت های نهفته در محیط و تعیین و احصای شاخص های مهم بر محیط امنیت دولت و اتباع خود در محیط بین الملل هستند و با رویکرد های مؤثر در مدیریت شاخص های وابسته آن تلاش می کنند. قدرت امن و هماهنگی را فراهم آورند یادین از محیط امنیت بین الملل تلاش شده است با روش جمع آوری براساس جستجو و پیمایش اسنادی و کتابخانه ای به مطالعه محیط شناسی در امنیت بین الملل پرداخته و در نهایت نتایج حاصله از تحقیق را، ضمن برشماری اصول و ویژگی های حاکم بر محیط شناسی بین الملل (موقعیت جغرافیایی و حوزه قلمرو، منافع ملی و اهداف بازیگران، تهدیدات و آسیب پذیری ها و توانمندی ها و قابلیت ها) به هفت شاخص مهم که عبارت از همکاری، تعارض، تعهد، وابستگی، سلطه و نفوذ همزمن و ایزوله، ختم نموده ایم.

واژگان: محیط امنیتی - منافع ملی - سیاست خارجی - روابط بین الملل - امنیت محیط - امنیت

محیطی

^۱ استادیار و رئیس دانشگاه امام حسین (ع)

^۲ دانشجوی دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

سیاست خارجی و امنیتی هر دولت در پاسخ به تهدیدات برخاسته از محیط امنیتی آن شکل می گیرد و نوع و چگونگی این سیاست از جهت حدت و شدت وضعیت تهدیدات و میزان بالفعل یا بالقوه بودن و وسعت آنها بستگی کامل دارد. بدین صورت که اگر یک محیط غیرامنیتی شده و اجتماعی تر باشد و مبادلات، همگرایی و تعاملات افزوده تر باشد و برای حل و فصل مسائل و مشکلات اجتماعی، مکانیزم ها، تزیینات قواعد و راه حل های مسالمت آمیز نهادینه شده وجود داشته باشد، کشورها به سمت اتخاذ سیستم های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روی آورده و همکاری جای رقابت و منازعه را می گیرد. اما محیط کشور هر چه امنیتی تر باشد و ترتیبات، نهاد ها و ساز و کارهای لازم برای حل و فصل مشکلات وجود نداشته باشد، سیاست دفاعی را در طیفی قرار داده ایم که یک سر آن غیر تحریک آمیز و سر دیگر آن تهاجمی ترو تحریک کننده تر باشد قرار گرفتن در هر نقطه ای از این طیف، بستگی تام به وضعیت محیط امنیتی دارد (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۹)

اگر چه تمامی نظام های سیاسی کشورهای جهان به مقوله امنیت ملی توجه خاصی دارند و تأمین آن همواره یکی از مهم ترین اهداف کشور های مختلف بوده است. اما این هدف برآورده نخواهد شد مگر درحالتی که هر دولتی شرایط محیطی خود را، شامل شرایط متمدن نظام بین الملل و اوضاع حاکم بر امور داخلی به خوبی شناسایی کرده و مورد تحلیل قرار دهد.

البته هیچ یک از عوامل محیط امنیتی به تنهایی تعیین کننده قدرت ملی و کفایت و موفقیت سیاست خارجی یک کشور نیستند، هم چنین بر حسب زمان و شرایط موجود، درجه ی تأثیر هر یک از عوامل یاد شده قضاوت می کند. غفلت از این مهم می تواند سبب اتخاذ سیاست های غیر واقع بینانه و بروز خطرات سرنوشت ساز برای امنیت و موجودیت هر ملت باشد. به علاوه میزان تأثیر قدرت ملی به کار گرفته شده برای نیل به اهداف منافع ملی بستگی به این دارد که رهبران چگونه و به چه ترتیب عناصر قدرت را هدایت و سازماندهی می کنند.

یک تحلیل کارآمد از قابلیت کشور، در برگیرنده ارزیابی واقع بینانه نسبت به توانایی نیل به اهداف در محیط بین المللی است. موفقیت سیستم سیاست خارجی نیز بستگی

به ارزیابی دولت های دیگر در رابطه با عناصر قدرت و قابلیت آن و اعمالی که متعاقب این ارزیابی می شود، دارد (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۲۷۴)

بیان مساله

از آنجا که هر کشوری، یک واحد جغرافیایی است محیط امنیتی اش بیش از همه به وسیله موانع و محصورات ناشی از مرزهای جغرافیایی اش شکل می گیرد، اما نیرو های خارجی دائماً این موانع را به چالش می کشانند، از این رو عوامل محیطی خارجی که می توانند در مرز های جغرافیایی رسوخ کنند، همواره عامل شکل دهنده محیط امنیتی هستند، از سوی دیگر در هر اکو سیستمی، یک ارگانیزم نه فقط مصرف کننده، بلکه شکل دهنده خودش نیز می باشد، چون رفتار خارجی بازیگران هر کشور حداقل تا اندازه ای مشروط به تثبیت موقعیتش در ساختار بین المللی است. لذا ساختار بین المللی هم عامل مهمی است که محیط امنیتی را شکل می دهد.

برای برخورداری از یک محیط مطلوب امنیتی، هر کشوری باید به وجود مساله امنیت اذعان داشته باشد و در صدد اتخاذ اقدامات برای آرام کردن آن باشد. هر چه کشوری پویایی های معضل امنیت را بشناسد، اصول و ویژگی های حاکم بر محیط امنیتی خود را شناخته، با شاخص و معیار های مشخص، بتواند محیط امنیت بین المللی را تحلیل کند و در نهایت با تعیین و اتخاذ رویکرد های مؤثری، قادر به مدیریت در محیط امنیتی باشد و ضمن بهره گیری از فرصت ها، تهدیدات و آسیب پذیریهای به محیط داخلی خود را به حداقل برساند، قطعاً به اهداف و منافع ملی دست یافته و احتمال بیشتری دارد که از یک محیط مناسب امنیتی برخوردار باشد.

بنابراین تمامی نظام ها سیاسی کشور های جهان به مقوله امنیت ملی توجه خاصی دارند و تأمین آن همواره یکی از مهم ترین اهداف کشور های مختلف بوده است. اما این هدف برآورده نخواهد شد، مگر در حالتی که هر دولتی شرایط محیط خود را شامل محیط نظام بین المللی و اوضاع حاکم بر امور داخلی به خوبی شناسایی کرده و مورد تحلیل قرار دهد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با عنایت به این که تمام کشور ها (بازیگران) هنگام سیاست سازی در جهت تأمین منافع ملی و امنیت ملی خود در محیط امنیتی، یک سری متغیر های ملی و بین المللی

را از جمله محیط کلی بین الملل، ایستار ها، بازی ها، اعمال و منافع ملی کشور ها و قدرت ساختار کلی و استعداد نسبی کشور (قابلیت ها و ظرفیت ها) و تهدیدات و آسیب پذیری های مترتب بر آن را مورد توجه قرار می دهند. لذا پیش از هرگونه اخذ تصمیم، می دانست شناخت محیط امنیتی و قابلیت قدرت بالفعل دولت خود را در چارچوب نظام بین الملل و نیز در ربط با دولت ها و یا با بازیگرانی که به نحوی با آنها در مقابله هستند، می بایست تجزیه و تحلیل نمایند. به همین منظور در شرایط کنونی تحولات پیچیده، در هم تنیده کشور در روابط بین الملل می توان اذعان داشت که محیط امنیتی داخلی و خارجی کشور ها به هم گره خورده است. بنابراین می بایست در این محیط امنیتی، نقش خود را در جهت تأمین منافع ملی پیدا نموده و با تشخیص به موقع، شاخص های مهم و اساسی را احصا کنند و متعاقب آن با ارائه الگو و مدل خاصی، مدیریت شاخص مؤثر در محیط امنیتی خود را اعمال کنند. بدیهی است غفلت از شناخت محیط امنیتی و عدم اعمال مؤثر و به موقع مدیریت آن می تواند امنیت ملی و منافع ملی کشور را به چالش کشانده و امکان بهره گیری از توانایی ها و ظرفیت های را به حداقل برساند.

اگر چه از سوی دیگر در تعامل بازیگران (دولت ها) و ساختار (محیط امنیتی) آنچه مهم است این که دولت ها نباید به صورت انفعالی صرفاً به شرایط محیطی پاسخ دهند، بلکه می توانند محیط خود را بسازند. البته این ساختن لزوماً نه آن گونه خواهد بود که خود می خواهند، بلکه متاثر از شرایطی است که وجود دارد. واقعیت ها و محدودیت-هایی که هست، در واقع نه ساختار به صورت جبری غالب است و بازیگر مغلوب و نه دست بازیگر کاملاً باز و دارای اراده اختیاری است، بلکه تعامل بازیگر و ساختار است که آینده را می سازد. به هر جهت شناخت و تحلیل شاخص های محیط امنیتی (ملی و بین المللی) و رویکرد های مؤثر مدیریت به آن، لازم و ضروری به نظر می رسد.

هدف از تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، تعیین و احصای شاخص های مهم در محیط امنیت بین المللی و رویکرد های مؤثر مدیریت شاخص های یاد شده در محیط بین المللی کشور ها می باشد.

سؤال تحقیق

بر این اساس سؤال اصلی این مقاله این است که آیا در محیط امنیتی سطح بین المللی می توانیم شاخص هایی را احصاء نماییم؟ و در صورت شناسایی این شاخص ها، رویکرد های مؤثر مدیریت شاخص های امنیت محیط بین الملل چیست؟

روش تحقیق

در این تحقیق که به منظور درکی بنیادین و اساسی از محیط امنیت بین المللی است از طریق روش اکتشافی و کیفی و جستجو و پیمایش اسنادی و کتابخانه ای سعی شده است در حوزه روابط بین الملل و مباحث امنیت ملی، به دنبال ارائه رویکرد های مدیریتی، شاخص های محیطی متداول و موجود رفته و به صورت تحلیل گفتمانی آن را تحلیل نماید.

ادبیات تحقیق

۱- بخش یکم: اصول و ویژگی های حاکم بر محیط شناسی بین الملل

ویژگی های حاکم بر محیط بین الملل از دیدگاه های مختلفی مورد بحث قرار گرفته که از جمله معروف ترین آن دیدگاه الگاها است که پنج ویژگی امنیتی را به شرح ذیل ترسیم نموده است.

الف- شرایط و فضا

ب- قابلیتها (فرصت ها، قدرت ها و ...)

پ- شناسایی آسیب ها و جلوگیری از بروز و ظهور آن

ت- شناسایی تهدیدات

ث- شناخت بازیگران رقیب و حریف

در یک تقسیم بندی می توانیم ویژگی های حاکم بر محیط بین الملل را به شرح ذیل ترسیم کنیم.

الف- ظرفیت ها و قابلیت های نهفته در محیط

ب- آسیب ها و آسیب پذیری های محیط

پ- نیات بازیگران و وقوع آنها

ت- ماهیت محیط و وابستگی های آن

هـ) مکانیزم های کنترل و تغییر (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰)

اگر بخواهیم در یک بررسی جامع با بهره گیری از نظریه ها و ایده پردازی های صاحب نظران امنیتی و سیاسی، اصول و ویژگی های حاکم بر محیط امنیتی را مشخص کنیم، برابر نظرات ارائه شده از سوی کالینز در کتاب استراتژی بزرگ در رابطه با امنیت ملی می توانیم یک سری اصول و ویژگی هایی را تعیین نموده و روی آن توضیحات لازم را ارائه کنیم.

۱) ویژگی اول: موقعیت جغرافیایی (شرایط و فضا)

یکی از اصول و ویژگی های حاکم بر محیط شناسی بین المللی این است که هر کشوری در سرزمین خود اعمال حاکمیت می نماید. غالباً مرزهای سرزمینی با تقسیمات نژادی، فرهنگی، زبانی یا جغرافیایی تطبیق می کند، بنابراین مبنای سرزمین و حوزه و قلمرو هر کشوری که به تعبیری آن را ژئوپلتیک هم می نامند، از طرفی به آن امتیازات و دشواری های اقتصادی، تکنولوژیک و نظامی عرضه می دارد و در عین حال در بیشتر موارد منشأ مسدودیت نیز می شود. زیرا در هر قلمرو معین، معمولاً یک گروه متمایز نژادی، فرهنگی، زبانی و یا مذهبی زیست می کنند که در مجموع هویت ملی آن قلمرو را تشکیل می دهد.

در بین ارزش های شرایط و فضا، موقعیت جغرافیایی اهمیت زیادی دارد و اهمیت آن هم در ژئوپلتیک جدید همچنان حفظ شده است. موقعیت کشورها و فضای جغرافیایی از دید خود کشورها و نیز از دیدگاه کشورهای دیگر معنی متفاوتی دارد. به عبارتی درکی که شهروندان و دولت حاکم در یک کشور از موقعیت خود دارد، ممکن است با درک دولت ها و بازیگران و کشورهای دیگر تفاوت داشته باشد و این نوع ادراکات بر رفتار سیاسی دولت ها تأثیر می گذارد و استراتژی سیاسی نظامی، اقتصادی و فرهنگی آنها را تحت الشعاع خود قرار می دهد. به عبارتی اتخاذ هر نوع استراتژی نسبت به دولت دیگر بدون لحاظ کردن موقعیت جغرافیایی آن نسبت به همسایگان، فضاهای جغرافیایی ارزشمند، دسترسی ها و غیر آن واقع بینانه و منطقی نخواهد بود و به شکست استراتژی خواهد انجامید.

۲- ویژگی دوم: منافع ملی، اهداف و سیاست های بازیگران،

از جمله مهمترین اصول و ویژگی های حاکم بر محیط شناسی بین المللی، مطالعه منافع و اهداف اساسی سیاست خارجی کشورهاست و قطعاً کشورها در روابط با یکدیگر

هدف و محتوایی را تعقیب می کنند که عمده ترین آنها عبارتند از حفظ تمامیت ارضی و وحدت کشور، امنیت ملی، رفاه ملی، پرستیژ ملی و یا کسب قدرت. لذا اکثر کارشناسان امور بین الملل هدف ها و انگیزه های اساسی رفتار کشورها را در صحنه بین المللی ((منافع ملی)) نام نهاده اند، آنها معتقدند که آنچه کشورها در صحنه بین الملل انجام می دهند در جهت تحصیل، حفظ و توسعه منافع ملی است.

باری بوزان در کتاب ((مردم، دولتها و هراس)) ضمن اشاره به اهمیت بحث امنیت ملی در سطوح فردی، ملی و جهانی از ارتباط این سطوح با یکدیگر سخن رانده است، البته تاکید اصلی وی بر روی امنیت ملی و نقش دولتها در عرصه روابط بین الملل جهت تحصیل آن می باشد.

به طور کلی امنیت ملی چند وجهی و هنر او با مفاهیمی مانند قدرت ملی، تهدید و آسیب شکل می گیرد. در اصطلاح امنیت را احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی اند تعریف می کنند و به تعبیری امنیت ملی هم به مثابه وسیله نیل انسان و جوامع بشری به اهداف و غایات خود و هم به عنوان هدفی که ابزارها و امکانات مادی و معنوی در تحقق این نیاز حیاتی به کار گرفته می شود، مطرح است اما در سوی دیگر امنیت ملی به مثابه یک مفهوم سازمان بخش، نسبت به مفهوم سیاست خارجی از امتیازات بیشتری برخوردار است، نخست این که امنیت ملی بر عناصر مشترک و اشتراکات در سیاست های خارجی بازیگران ملی تمرکز دارد. امنیت ملی فضای مناسب برای پرداختن به منافع مشترک بین المللی را فراهم کرده که این امر می تواند به افزایش همزمان امنیت برای همه بازیگران سیستم بین المللی منجر شود. از این رو حفظ و نگهداری سیستم بین المللی به هدف های مشروع سیاست امنیت ملی تبدیل می گردد. و دیگر این که، امنیت ملی بر نزدیکی فعالیت های داخلی و خارجی کشورها تأکید می کند چرا که در این جا رفتار خارجی کشورها خود مکمل الگوی کلی رفتار یک نظام ملی محسوب می شود. علاوه بر منافع ملی، هر بازیگر در صحنه محیط بین الملل خود اهدافی را نیز دنبال می کند و این اهداف مبنای سیاست تک محوری می گردد که عمده تاً سیاست های متخذ در سه محور کلی سیاست حفظ قدرت، سیاست افزایش قدرت و سیاست نمایش قدرت خلاصه می شود. به تعبیری کشورها یکی از این سه نوع هدف را برای خود انتخاب کرده اند، به نحوی که بازیگری

که تمایل به حفظ قدرت دارد، از سیاست حفظ وضع موجود پیروی می کند، بازیگری که تمایل به افزایش قدرت به نفع خویش دارد، از سیاست افزایش قدرت جانبداری می کند و بالاخره کشوری که هدفش نمایش قدرت است (چه به خاطر حفظ قدرتش و چه به خاطر افزایش آن) از سیاست پرستیژ قدرت پیروی می کند.

۳) ویژگی سوم، تصمیم گیری بازیگران (شناخت بازیگران)

به طور کلی تصمیم گیری سیاست خارجی در کشور در حلاء صورت نمی گیرد، به عبارت دیگر سیستم سیاست خارجی مانند تمام سیستم ها دارای محیط است. محیط سیستم خارجی دارای تأثیرات جدی می باشد که در امر تصمیم گیری، به عنوان عوامل تسهیل کننده (امکانات) و یا مشکل زا (محدودیت ها) ایفای نقش می کنند.

محیط خارجی هر کشور در نظام بین الملل، عبارت است از هر پدیده یا موجودیتی که در خارج از قلمرو آن اتفاق می افتد. چنین محیطی شامل تمامی کشور های خارجی، سازمان های بین المللی، شرکت های چند ملیتی، نهضت های محلی و حتی افراد می باشد. بازیگران یاد شده به همراه حکومت ها همگی داده هایی از محیط خارجی به سیستم سیاست، خارجی تحمیل می کنند. این داده ها لزوماً عمومی و هدف دار نیستند و به طور مستقیم به واحد تصمیم گیرنده منتقل نمی شوند. بعلاوه از آنجا که هر کشوری دارای محیط خارجی منحصر به خویش است ورودی های هر سیستم سیاست خارجی دارای ویژگی خاص خود می باشد.

اصولاً برای توصیف با تحلیل محیط خارجی باید به دو نفر مفهوم توجه کرد. تعاملات میان حکومتی: که شامل ارتباط مستقیم و گسترده بین حکومت های جهان است.

تعاملات فرا حکومتی: که شامل ارتباط کاری میان سازمان های به خصوص در کشور های مختلف است، مثل ارتباط و تعامل میان وزارت خانه های کشاورزی کشور های عضو بازار مشترک اروپا و غیره...

تعاملات فرا ملی: که ناظر به همکاری متعامل میان شرکت های چند ملیتی یا احزاب سیاسی، به منظور تأثیر گذاری بر جریانات و پدیده ها هستند. واحد های غیر دولتی مذکور، یا از طریق ارتباط با هم و یا از راه تماس و مذاکره با حکومت های دیگر، در صدد نفوذ در فرایند تصمیم گیری بر می آیند.

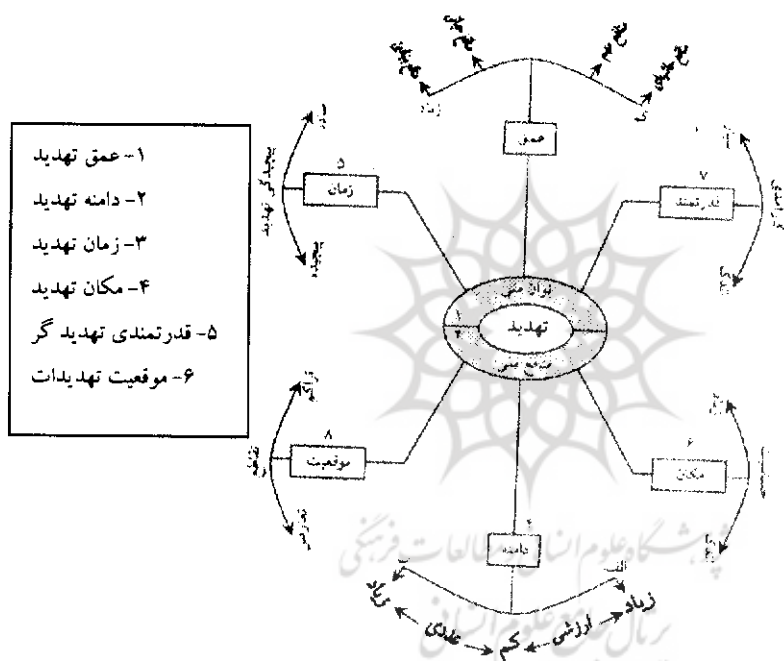
ویژگی چهارم: شناخت تهدیدات (تهدید شناسی)

در این ویژگی حاکم بر محیط امنیتی، در حقیقت در جستجوی امنیت ملی با مفهوم تهدید مواجه می شویم، تهدیدی که حیات و بقای کشور را مورد خدشه قرار داده است. و یا به تعبیری خدشه به ارزش های اساسی و اهداف ملی وارد نموده و پیوستگی به منافع و اهداف غیر "بازیگر خارجی" داشته باشد. و بر هم زننده توازن و تحمیل بحران بر ساختار و کار کرد های بقای ملی، وفاق را در عناصر وا گرای محیط های ملی و فروملی است و تابع انتزاع سازندگی و مخاطبان است.

بنابراین مفهوم تهدید تابع درکی از توانمندی، قدرت حریف و میزان ضعف و آسیب پذیری است و قابلیت، استعداد و عملیاتی در ضربه زدن به منافع ملی یک کشور یا منافع فرد یا سازمان دارد.

از نظر مکتب کپنهاک، شناسایی امنیت ملی صرفاً پس از درک معقول از ماهیت تهدیدات و آسیب پذیری ها امکان پذیر است. همچنین فقدان امنیت و یا وجود ناامنی، بازتاب، ترکیبی از تهدیدات و آسیب پذیری هاست که جدا ساختن معنا دار آنها از یکدیگر ناممکن است. بر این اساس سیاست امنیت ملی می تواند روی مسایل داخلی تمرکز نموده و در پی کاهش آسیب پذیری های دولت باشد یا بر مسایل خارجی تمرکز داشته و از طریق منابع ذیربط در صدد کاهش تهدیدات خارجی برآید. (بوزان، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

سنجش یک تهدید ارتباط مستقیم با توانمندی هر بازیگر دارد، به همین دلیل برای سنجش تهدیدات دو عامل توان ملی و منافع ملی که به عنوان ظرفیت درون بازیگر در نظر گرفته شده اند به شاخص های عمومی تهدیدات در سطح خارجی منجر می گردد. این شاخص ها از دیدگاه دکتر افتخاری در کتاب کالبد شکافی تهدید که در قالب یک مدل سنجش تهدید آورده شده اند در مدل زیر دیده می شود. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۴)



همچنین تهدیدات نیز مانند سایر پدیده های سیاسی-امنیتی در مقام تقسیم بندی تابع معیار های هستند که می بایست با عنایت به آنها در محیط امنیتی سنجیده شوند. در کتاب یاد شده یازده معیار که بعضاً و به صورت پراکنده از سوی تحلیل گران امنیتی مورد توجه بوده اند در قالب یک جدول کلی به طور خلاصه ارایه شده است، که از نظر این محقق در بحث تهدید شناسی در محیط بین الملل می بایست به آنها پرداخته و در گونه شناسی تهدیدات مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

معیار	گونه
ماهیت	سیاسی - اقتصادی - نظامی - اجتماعی - زیست محیط - فناوریانه - و ...
سطح	فردی - گروهی - ملی - منطقه ای - بین المللی - جهانی
جغرافیا	داخلی - خارجی - مرزی
تقارن	متقارن - نامتقارن
پیچیدگی	بسیط - پیچیده
تعادل	متقارن - نامتقارن
هویت	مادی - معنوی
جنس	عینی - ذهنی
کانون	بازیگران - ساختاری
انگیزه	عمدی - غیر عمدی
کار ویژه	ایذایی / واقعی - آزمایشی / اصلی

۵) ویژگی پنجم: آسیب پذیری (آسیب شناسی)

آسیب سازه یا فعلی است که درر کارکرد و توانایی یک پدیده ضعف و خدشه ایجاد می کند، میزان نفوذ آن را کاهش می دهد و حیات، بقاء و کارکرد ساختار آن را در چالش قرار می دهد، به گونه ای که امکان ادامه حیات آن با مشکل مواجه می شود (جلالی، ۱۳۸۰: ۵۱)

پدیده آسیب نتیجه تعامل سه عضو آسیب پذیر و بستری است که آسیب در آن رخ می دهد، آسیب فی نفسه فعلیت ندارد و مستلزم شرایط زمانی، مکانی و بستر پذیرنده می باشد، بنابراین آسیب در ابعاد اقتصادی اجتماعی، سیاسی، زمینی، امنیتی و ... شکل می گیرد و شدت و ضعف آن بستگی به ابعاد و حجم عوامل آسیب زا، زمینه های موجود و بستر آسیب پذیری دارد (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵: ۷)

آنچه به آسیب ها در محیط امنیتی بین المللی ارتباط پیدا می کند صرف نظر از آسیب های ساختاری، کارکردی و رفتاری که عمدتاً در امنیت داخلی (محیط ملی) کشورها تأثیر دارد، آسیب های فرا ساختاری است که برای ادامه حیات خود نیازمند

تعامل با ساختارهای محیط اطراف می باشند، ضرورت دارد به آن توجه خاص شود. چنانچه این مجموعه و ساختار بتواند خود را با محیط خارجی مرتبط و با آن تعامل کند، حتی با داشتن هویت و کارکرد و ساختار مناسب هم دچار آسیب خواهد شد و لذا آسیب فراساختاری ناشی از ضعف و ناکار آمدی در هماهنگی و ادراک محیط بیرونی است و در برخورد و تعامل با دیگر محیط های خارجی بین المللی و رقابتی ایجاد می شوند. قابلیت و ظرفیت ها در مدیریت محیط امنیتی در حوزه بین المللی، قدرت ملی را با ساختار قدرت در محیط بین الملل انطباق می دهد و فضای دسترس فناورانه به حوزه منافع و امکانات و مقدورات جهانی را مسیر می کند و حوزه نفوذ در بازارهای سیاسی، اقتصادی فرهنگی را بیشتر می نماید.

۶) ویژگی ششم: توانمندی و قابلیت ها (قدرت شناسی)

مؤلفه های توانمند سازی و افزایش قدرت تحرک که به آن ظرفیت های مدیریت و رهبری نیز اطلاق می شود. شامل منابع تولید قدرت ملی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ...) و مدیریت و راهبردی عناصر قدرت (ساختار و تشکیلات، برنامه-ریزی، هدفمندی، قابلیت تحرک بخشی)، تبلیغات و کنترل افکار عمومی (قدرت رسانه ای، هدایت منافع و ایجاد واکنش ملی در افکار عمومی در حوزه امنیت) استراتژی ملی (زمان مند بودن و منعطف کردن) و برنامه های عملیاتی برای پیاده سازی استراتژی ملی است. علاوه بر آن سایر مؤلفه های توانمند ساز که به عنوان ابزار تلقی می شوند، عناصر قدرت سخت (فاعی- امنیتی، سازمان ها و نهاد های اقتصادی و ارتباطات خارجی)، عناصر قدرت نرم (مشارکت و قدرت بسیج و فراخوانی، ادبیات توسعه قدرت اجتماعی و فضا سازی رسانه ای و روانی) از زمره عناصر و ابزارهای توانمند ساز یک کشور در جهت تأمین منافع ملی و امنیت ملی در محیط امنیتی بین الملل محسوب می شوند. آنچه مهم است قابلیت ها در محیط امنیتی خیلی سریع ظاهر شده و خیلی سریع از دست ما می رود و در محیط بین المللی باید از قابلیتی استفاده کنیم که در دسترس و امکان پیاده سازی آن فراهم باشد و به تعبیری بر قدرت ما بیفزاید و در حوزه پیرامونی خود بتواند تأثیر گذار و تمکین آور باشد.

۲- امنیت و محیط امنیتی:

با توجه به تعاریف امنیت و محیط می توان این نتیجه را گرفت که اگر یک نظام سیاسی با فراهم آوردن شرایط و فضایی که بتواند قابلیت ها و توانایی های خود را مورد حفاظت قرار داده و آسیب های داخلی خود را تحت کنترل و مهار در آورده تا مانع از بروز نا امنی شود، به نوعی امنیت را در محیط امنیتی خود تأمین نموده است و لذا مساله امنیت در محیط با توجه به عوامل ذیل قابل حصول است. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵: ۸)

الف) بازیگران: به نحوی که با بازشناسی بازیگران موثر در رفتارهای امنیت زا و مولد نا امنی، امکان کنترل بازیگران بر اساس تقش و میزان و سطح نفوذ در محیط امنیتی را فراهم آورده و با تحلیل رویکرد بازیگران از امنیت و مفاهیم بر خاسته از آن بتواند بازشناسی نماید.

ب) نیات بازیگران: شامل آرمان ها و اهداف ملی که در راستای حفظ محوری شکل گرفته و برای بسط منافع از طریق تثبیت ایدئولوژیک و دیپلماسی برتر و استراتژی های پیش برنده مورد تحلیل قرار می گیرد. و به طور کلی نیات بازیگران در پی جویی قدرت است.

ج) قابلیت ها و ظرفیت ها که بتوان در خدمت پیشبرد اهداف قرار گرفته و در محیط امنیتی قابلیت تعامل بین انسان، نیاز و منافع مبتنی بر بقاء و حیات، هویت و دوام را تأمین کنند و همچنین بتواند امکان بهره برداری از منابع و توسعه و تسلط بر به کار گیری آنها را داشته باشد و در نهایت بر آنها مدیریت و کنترل نماید. (همان: ۱۰).

د) آسیب ها شامل کاستی ها و تنگناهایی که سبب ایجاد چالش و تعارض در رفتار بازیگران شده و فی نفسه فعلیت نداشته و مستلزم شرایط زمانی، مکانی و بستر پذیرنده می باشد و لذا می تواند در ابعاد گوناگونی شکل گرفته و شدت و ضعف آن بستگی به ابعاد و حجم عوامل آسیب زا، زمینه های موجود و بستر آسیب پذیری دارد.

ه) تهدیدات که اصالتاً یک مساله امنیتی محسوب گردیده و یکی از مهم ترین مفاهیم در معنا کردن مفهوم امنیت ملی است که ماهیت تهدید بیشتر تابع عقاید و نگرش های بازیگران است و اهداف تهدید از دو نظر قابل تأمل است، اول هدف تهدید ایجاد ترس در طرف مقابل به منظور مجبور کردن بازیگر به انجام کار خاص و یا

بازداشتن او از یک فعالیت شخصی است و دوم هدف تهدید فریب دادن و وادار کردن بازیگر به انجام یک فعالیت مشخص اما با رضایت و امتناع می باشد (همان : ۲۵).

محیط:

از دیدگاه استارز، محیط فضایی است که در آن بازیگران که می توانند نیازهای امنیتی خود را تشخیص و با استفاده از قابلیت های موجود در محیط دسته بندی و امکان پیگیری آن را تا رسیدن به هدف فراهم نماید.

این محیط سه ویژگی دارد:

۱- فضا و شرایط

۲- بازیگران و نیت پی جوی قدرت

۳- برنامه ریزی و هدفمندی

محیط مکانی است جغرافیا محور و چند بعدی که قابلیت رفع نیاز های انسانی و اجتماعی شدن او را در قالب اهداف و مشخص و سیستمی تقویت شده، فراهم می آورد تا امکان هویت جمعی او را تحقق بخشد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵: ۴)

امنیت ملی:

امنیت در فرهنگ انگلیسی اکسفورد به معنای « در حفظ بودن، فراقیت از خطر یا اضطراب و تشویش» آورده شده است. در دانش نامه سیاسی آمده است: «امنیت را در لغت، به حالت فراقیت از هر گونه تهدید یا حمله، یا آمادگی برای رویاروی با هر تهدید، حمله می گویند» (مهری، ۱۳۸۱: ۷۷)

شاخص های مهم در محیط امنیت بین الملل

اکثر صاحب نظران از روابط بین الملل، مناسبات و روابط میان کشورها را در چهار صورت کلی جدا نمی بینند: همکاری، رقابت ستیزی و سلطه که این صورت ها را می توان به دو دسته کلی اجماعی و کشمکش خلاصه تر کرد.

رقابت در مناسبات کشور را می توان به دو نوع " با حاصل جمع صفر " و " با حاصل جمع غیر صفر " تقسیم کرد. در رقابت " حاصل جمع صفر " هر پیروزی و کامیابی برای یک طرف به مثابه شکست و ناکامی برای طرف دیگر است، در حالی که رقابت با " حاصل جمع غیر صفر " از نوع اختلاف خانوادگی یا رقابت اعضای یک تیم با یکدیگر است که شکست یکی، مستلزم پیروزی دیگری نیست.

اگر چه "سلطه" در روابط بین الملل با همکاری بین المللی تفاوت فاحش دارد، اما وقتی از سلطه قدرت "الف" بر قدرت "ب" صحبت می شود، تا زمانی که قدرت "ب" برای بیرون آمدن از سلطه اقدامی نکند، یا اقدامات او به پیروزی و رفع سلطه از خود نینجامیده باشد، آن وضعیت را می توان به صورت نبود قابلیت ها و امکانات لازم برای برون رفت قدرت از سلطه و یا نوعی سکوت در برابر سلطه قلمداد کرد که علامت رضایت است، اما وقتی بازیگر "ب" برای بیرون آمدن از زیر سلطه بازیگر "الف" اقدامی موفقیت آمیز انجام می دهد، دیگر سلطه ای بر آن وجود ندارد و یا فرایند کاهش سلطه بر آن شروع می شود. بدین ترتیب "سلطه" در روابط بین الملل رami توان با اندکی تسامح در مقوله "اجتماعی" جای داد و مناسبت بین کشورها را به صورت زیر گونه بندی کرد:

۱- مناسبات بین الملل مبتنی بر "جماع" که شامل همکاری، رقابت باحاصل جمع غیرصفر و یاسلطه است.

۲- مناسبات بین المللی مبتنی بر "کشمکش" که شامل رقابت با "حاصل جمع غیر صفر" هم هست (امام زاده فرد. ۱۳۸۴: ۷۸)

شاخص اول: همکاری

به خلاف نظام توازن قوا که به عنوان یک ویژگی و جوهر راهبردهای امنیت ملی به عنوان ابزار نافذ و نهایی و به منظور ایجاد تعادلی نسبتاً با ثبات، تاکید دارد، سیستم نظام امنیت مشترک را به پیش می برد.

عوامل مؤثر در همکاری کشورها در محیط امنیتی بین المللی که می تواند در عین حال رفتار و اعمال کشورها را محدود کند، عبارت است:

۱- توافق و هماهنگی کشورها در حفظ صلح جهانی یا نفع مشترک آنها در حفظ صلح

۲- وجود دیپلماسی به عنوان وسیله رفع اختلافات بین المللی

۳- وجود سیستم های بین المللی بازدارنده نظیر سیستم "توازن قوا" در قرون هیجدهم و نوزدهم.

۴- وجود تعدات و حقوق بین المللی

۵- وجود سازمان های بین المللی

۷- اعتقاد به اصول اخلاقی و بشری

شاخص دوم: تعارض

این شاخص با ایجاد تعارض و اختلاف میان بازیگران در محیط امنیتی بین المللی، آنها را از یکدیگر دور ساخته و زمینه های بحران و حتی جنگ فراهم می کند، از لحاظ سطح تهدید و تعارض، می توان متغیر های گوناگونی را در نظر گرفت که از جمله این متغیر ها، عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی، نظام بین المللی و متغیر های اجتماعی می باشد (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۹)

از سوی دیگر علل تعارض که در سطوح گوناگون سبب بروز تعارضات می شود رامی توان به شرح ذیل تقسیم بندی نمود.

۱- تعارض بر سر منافع ملی (به مخاطره افتاده منافع ملی و امنیتی ملی در کشور)

۲- تعارض ایدئولوژی های متعارض لیبرالیسم، نازیسم، کمونیسم و ...)

۳- رقابت های اقتصادی (به ویژه میان دولت ها و سرمایه دارن که این عامل را در فرایند رقابت های اقتصادی باید جستجو کرد.)

شاخص سوم: تعهد

در محیط امنیتی، احساس می کنند که بدون قبول بعضی از تهدیدات، به ویژه تعهدات نظامی، قادر به مقابله با تهدیدات خارجی و یا دفاع از منافع ملی و تحقق اهداف سیاست خارجی خود نخواهند بود. و حفظ و بقای امنیت ملی خود را در گروی ایجاد تعدد با سایر کشورها سازمان های بین المللی می دانند. این شاخص تحت تأثیر متغیرهایی از جمله نیاز های داخلی، میزان برخورداری از قدرت، شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک، میزان تعهدات و فشارهای بین المللی و بالاخره ساختار و عملکرد نظام بین المللی قرار می گیرد.

گاه قبول تعهدات دولت ها در صحنه سیاست بین الملل به لحاظ ایجاد نوعی بازدارندگی است. مانند تأسیس پیمان ها و رشو و ناتو نمونه هایی از حالت اخیر به حساب می آیند.

به طور کلی علت عمده متعهد شدن و احد های سیاسی با یکدیگر، افزایش نفوذ و سلطه پلیتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت ملی و تحقق هدف ها و منافع ملی از طریق ترکیب توانائی ها و قابلیت ها، به ویژه توانائی های اقتصادی و نظامی می باشد.

شاخص چهارم: وابستگی

ظهور و بروز شاخص و وابستگی در محیط امنیت بین الملل با وقوع جنگ جهانی دوم و تشکل اتحاد و ائتلاف هایی که در خلال این دوران میان دولت های ذینفع به وجود آمد و بلاخره بلوک بندی های بعد از جنگ و نیز ظهور نظام دو قطبی، چهره سیاست بین الملل دستخوش دگرگونی گردید و دیگر اثری از نظام مستقل دولت ها مشاهده نمی شود. یعنی دیگر دولت های واقع در منطقه آمریکا، اروپا و خاور دور نمی توانستند سیاست هایی را اتخاذ نمایند که تنها اعضای آن نظام راتحت تأثیر خود قرار داده سایرین (غیر عضو ها) را متأثر نسازد. بدین ترتیب به جای نظام های مستقل و جداگانه، نظام های وابسته ظهور یافتند.

شاخص پنجم: سلطه و نفوذ

یکی دیگر از شاخص های محیط امنیتی بین الملل، شاخص سلطه و نفوذ است. به معنایی که رابطه سلطه و تفرق از نابرابری قدرت ناشی می شود. به طوری که رابطه ای یک سو و از بالا به پائین بین دولت و بازیگران قوی با دولت ضعیف با کم قدرت شکل می گیرد و دولت قدرتمند سرنوشت دولت ضعیف را به طور مستقیم تعیین می کند. جهت رابطه از حالت عمودی تا مایل تابعی از نسبت قدرت بین بازیگر قوی و بازیگر ضعیف است، این الگوی رابطه، همواره منعکس کننده برتری قدرت بین بازیگر قوی و ضعیف می باشد که از حد تمایل تا حد عمودی شناور است.

۱- استفاده از زور

۲- اعمال مجازات های غیر خشونت آمیز

۳- تهدید به مجازات (چماق)

۴- پاداش دادن (شیرینی)

۵- پیشنهاد پاداش

۶- ترغیب به معنی انتظار رفتار مطلوب از دیگران بدون استفاده از تهدید وعده

است.

میبایست به هر کدام از شقوق ۶ گانه فوق توجه داشته و رفتار هر بازیگر را در این خصوص تحلیل نمائیم.

شاخص ششم: هژمون (اقتدار گرایی)

در بین واقع گرایان، افرادی همانند جک اسنایدر و استفان والت، ضمن موازنه تهدید، معتقدند، امنیت زمانی شکل می گیرد که بازیگران موازنه بهنجار را ایجاد کنند. در چارچوب همین منطق است که ایده نوین امنیت بین الملل بر مؤلفه های زیر پدیدار می شود.

۱- مهار ناامنی اولویت نخست نظام بین الملل را در محیط امنیتی شکل می دهد.

۲- اختلاف و تنوع هنجاری در محیط امنیتی ریشه بروز تمامی منازعات و خشونت است.

۳- نبود ضمانت های اجرایی در محیط امنیتی به تضعیف کار آمدی راه کاری های حقوقی - سیاسی منجر می شود. در نتیجه گزاره های عمومی در مجموع نظریات غربی با ایده امنیت بین الملل به شرح زیر توجیه می گردد.

الف) فروپاشی شوروی، نظام بین المللی را در وضعیت آشوب قرار داده است.

ب) در وضعیت آشوب به دلیل ضعف نهاد ها و اصول ضوابط حاکم، شاهد ظهور و توسعه ناامنی و خشونت ورزی می باشیم.

ج) خستگی جامعه جهانی از ناامنی و خشونت ورزی، آن را وادار به پذیرش هژمون نموده است.

د) تمدن غربی به دلیل بهره مندی از شاخصه های سخت افزاری و نرم افزاری قدرت، می تواند و باید عهده دار ایفای نقش هژمون گردد.

شاخص هفتم: ایزوله (جدا سازی)

این شاخص گرچه نمی تواند مورد ملاحظه کشورها در محیط امنیتی در شرایط کنونی باشد، لیکن ممکن است برخی محدود از کشور ها از لحاظ ژئوپولیتیکی از مناقشات و بحران های بین المللی دور واقع شده و کمتر تحت فشار های بین المللی باشند و چنانچه امنیت ملی آنها را به مخاطره نیفکنند، به نوعی خود را از محیط روابط بین المللی جدا ساخته و استراتژی انزوای طلبی را اتخاذ می نمایند.

شاخص های محیط امنیتی در سطح بین المللی

در گذشته به علت نبود سیستم های ارتباطی پیشرفته و ارتباط و وابستگی کمتر میان واحدهای سیاسی، اتخاذ این جهت گیری با مشکلات کمتر روبرو بوده است. اصولاً دولتی که از این شاخص پیروی می کند، فقط موافق وضع موجود است و حوزه و امکانات منافع آن محدود است.

شاخص های اکتسابی در مدیریت امنیت محیط بین الملل

یکی از مهم ترین پرسش هایی که پیش روی نظریه پردازان مسایل امنیتی قرار داشته است، تدوین شرایطی برای سنجش محیط امنیتی و میزان دستیابی به اهداف آن است، درحقیقت پاسخ به این پرسش که چه شرایطی را می توان شرایط امن نامید و در چه شرایطی، محیط نا امن می باشد می تواند تا حد بسیار زیادی به یک واحد سیاسی در شناخت متغیر های ثابت و بی ثباتی سیستم (شاخص ها محیط امنیتی) کمک کند.

یکی از وش های نوین در بررسی های امنیتی، اعمال رویکرد مدیریت در محیط امنیتی و بهره گیری مدل های خاص آن است و چه بسا مطلوبیت استفاده از مدل ها به این دلیل است که قابلیت تعمیم به موضوعات گوناگون را دارا بوده و بر این اساس می توان هر پدیده موضوعی و امنیتی را در قالب آن مورد بررسی قرار داد.

بدین منظور در مجموع مطالعات و تحقیقات انجام شده، صرف نظر از معایب و محاسن این مدل ها و یا قابلیت پیاده سازی در سطح نظام مقدس جمهوری اسلامی، به انواع رویکرد های مؤثر در مدیریت شاخص های محیطی پرداخته و تلاش شده در قالب مدل سازی در حد کفایت موضوع تحقیق مود بررسی قرار گیرد.

این رویکرد ها را به انواع ذیل تقسیم نموده اند:

الف) رویکرد توازن قوا (تعادل)

ب) ویکرد حد تعارض (اشتراک منافع)

ج) رویکرد همکاری و همگرایی

د) رویکرد اتحاد و ائتلاف

هـ) رویکرد واگرایی

البته هر کدام از رویکرد های مؤثر در مدیریت شاخص های محیطی بین المللی را با توجه به شاخص های تعیین شده (پیش گفته) می توان اتخاذ و در سیاست خارجی

هر کشوری برای نیل به منافع ملی و امنیت ملی اعمال نمود. هر کدام از رویکردها را به طور اختصار توضیح داده و مدل های مربوط به آن را ترسیم خواهیم نمود.

رویکرد حد تعارض و رقابتی:

این مدل بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می گیرد، بازیگرانی که بر اساس منافع متعارض باهم رقابت می کنند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت ها بازدارند. رقابت به مجموعه تلاش ها و فعالیت های اتلاق می شود که با هدف کسب برتری و سیادت در زمینه خاص بین بازیگران در محیط امنیتی انجام می گیرد.

رویکرد همکاری و همگرایی:

این رویکرد که به عنوان یک فرآیند در روابط بین الملل شناخته می شود، طی آن نظام های سیاسی (بازیگران) به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی (که همان نهاد یا سازمان بین المللی است) تبعیت می کنند.

انگیزه اصلی دولت ها برای چنین همکاری هایی نزدیکی، دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که، از ورود به فرآیند همگرایی، دست یافتن به آنها، برایشان غیر ممکن بود (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۲)

به طور کلی شکل گیری فرایند همگرایی و پدیدار شدن یک تشکل منطقه ای یا جهانی و اتخاذ رویکرد در مدیریت شاخص همکاری و همگرایی مستلزم وجود زمینه ها و عوامل مختلفی است که عمده ی آنها به شرح زیر است:

- ۱) ویژگی ها و ارزش های مشترک جغرافیایی، تاریخی، تمدن، فرهنگی، زبانی، دینی، قومی، ایدئولوژیکی که به ایجاد تجانس ساختاری می انجامد (مثل اتحادیه عرب)
- ۲) تهدیدات مشترک اعم از امنیت، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره (مثل پیمان ناتو که بر پایه احساس تهدید مشترک از سوی شوروی سابق شکل گرفت)
- ۳) کارکردها و علائق مشترک که به همسانی عملکردی و منافع مشترک می انجامد (مثل اوپک یا تولید کنندگان نفت)

۴) نیاز های متقابل و وابستگی دو یا چند جانبه که به نوعی هم تکمیلی در حوزه های کارکردی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و غیره را مبتنی بر ملیتهای هر یک

از اعضا منعکس می نماید (مثل سامانه های منطقه ای آسه آن، سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اروپا ...)

۵) ضرورت های جهانی و کروی که مدیریت فراگیر و یکپارچه جهانی را اجتناب ناپذیر می کند (مثل هوا نوردی و کشتیرانی- محیط زیست و ...)

۶) وضعیت ژئوپلیتیکی و قدرت برتر که نقش اصلی رادر تأسیس و رهبری همگرایی به عهده می گیرد (مثل جوامع مشترک المنافع به رهبری انگلستان و روسیه که اعضای آن را اعمار دوره استعمار و حاکمیت آنها تشکیل می دهد)

۷) البته این عوامل و بستر های اساسی فوق الاشاره و نیز متغیرهای مربوط به هر کدام می توانند به صورت انفرادی و یا ترکیبی بر شکل گیری فرایند همگرایی و پدیدار شدن سازمان ها و تشکل های بین المللی در مقیاس های محلی (همسایگان)، منطقه ای و جهانی منجر گردیده و در بررسی محیط امنیتی و تحولات اخیر هر کدام از کشور ها و بازیگران در راستای تأمین منافع و امنیت ملی خود به این عوامل همگرایی و استفاده از فرصت های منطقه ای و جهانی توجه خاص داشته و بعضاً خود را در یک یا چند جنبه ی آن همگرا به صورت محدود یا نا محدود می کنند.

رویکرد اتحاد وائتلاف:

این رویکرد ضروری موازنه قدرت در نظام چند دولتی در محیط امنیت محسوب می شود، دولت "الف" و "ب" که رقیب یکدیگرند، برای حفظ یا افزایش جایگاه نسبی قدرت خود، ۳ راه در پیش رو دارند قدرت خود را افزایش دهند. قدرت سایر دولت ها را به قدرت خود بیفزایند یا مانع از اضافه شدن قدرت سایر دولتها به قدرت خصم شوند، اگر راه اول را برگزینند، به مسابقه تسلیحات مبادرت می ورزند و اگر راه دوم و سوم را انتخاب نمایند، سیاست اتحاد را در پیش می گیرند.

در این سیاست باید متغیر هایی چون نیاز های داخلی، میزان برخورداری از قابلیت و قدرت، شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک، میزان تهدیدات و فشارهای بین المللی و با لآخره ساختار و عملکرد نظام بین المللی را در نظر گرفت. اساس و بیان اتحاد، مستلزم اشتراک منافع است، خصوصاً اتحاد در شکل تحدید، موجب آشکار شدن منافع مشترک موجود و سیاست های عام و اقدامات عینی مربوط به آنها می شود.

خلاصه این که اگر بازیگری بخواهد در محیط امنیتی بین الملل با کشور دیگری اتحاد و ائتلاف کند، به طور طبیعی باید با منطق عمومی اهداف بازیگر دوم هم سنج باشد، زیرا هدف از ائتلاف دستیابی به مقصود خاص است و به معنای نوعی هم سویی در میان مسایل اقتصادی، سیاسی و امنیتی است و نمی توان این وجود را از یکدیگر تفکیک کرد.

رویکرد واگرایی (جدا سازی)

واگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحد های سیاسی و دولت ها از هم دیگر دور شده و در اثر آن زمینه های بحران و جنگ فراهم می آید (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۹) به نحوی که تفکیک و جدایی از هم دیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک، حرکت به سمت هدف های خاص هر بازیگر است. به طور کلی مدیریت واگر در محیط امنیتی بین الملل عموماً شامل نظام های تکرو یا دیکتاتور، دارای رهبران و نخبگان درون گرا که علاقه ای به باز کردن مرزها و ایجاد رابطه با محیط خارجی خود ندارند و همواره از قرار گرفتن تحت سلطه قدرت بزرگتر نگرانند و دارای احساسات ملی، قومی، میهنی، وایدئولوژی شدید هستند.

همان طور که گفته شد واگرایی در نقطه مقابل همگرایی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دراند از جمله:

۱) گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یکپارچه سازی به خصوص در مقیاس محلی، زیرا سازه های منطقه های عموماً نیاز به کالبد فضایی- جغرافیایی اعم از خشکی، آب یا هردو دارد. (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۵۶)

۲) گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی، کشمکش های دوره جنگ سرد بین دنیای شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا و نیز منازعه اعراب و اسرائیل در خاورمیانه نمونه های ایدئولوژیکی آن می باشند. (نظریه برخورد تمدن های هانتینگتون نیز بر همین پایه قرار دارد)

۳) تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه ای و جهانی، نظریه توسعه حوزه نفوذ در مناطق دچار خلاء قدرت و نیز رقابت قدرت برای سیادت منطقه ای و جهانی می گردد.

۴) بروز تعارضات نگرش رقابت آمیز اعضاء نسبت به یکدیگر، به ویژه آنهایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی متوازن می باشند (مثل ترکیه، ایران و پاکستان در اکو) و یا احساس تهدید امنیتی نسبت به هم دیگر .

۵) محو شدن اهداف و یا تهدیدات مشترک بازیگران در محیط امنیتی بین المللی.

۶) وجود سازه های ائتلافی رقیب و یا متداخل که می تواند برخی از اعضای ائتلاف را جذب و باعث ازهم پاشیدگی آن بشود.

۷) بروز تحولات درون ساختی هر یک از بازیگران در زمینه های سیاسی، ایدئولوژیک و یه می گردد (مثل فروپاشی پیمان سنتوبا پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

بنابراین اتخاذ چنین رویکرد، نتیجه تحلیل شاخص تعارض است که بررسی خود را بر وجود تضاد منافع و تعارض خواست های خود با سایر بازیگران در محیط بین الملل گذاشته و به جای برقراری روابط دوستانه با ملت ها، بر واحدهای سیاسی و حاکمیت های جداگانه با منافع ناهمگون تاکید می ورزد. البته این نوع برخورد نسبت به روابط بین المللی، انعکاسی از نظریه رئالیست ها است که روابط میان واحدهای سیاسی را بر اساس یک سلسله نظریه های از پیش ساخته مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی دهد و راهنمای دولت ها را برای جهت گیری ها و سیاست خارجی صرفاً قدرت و منافع می پندارند.

نتیجه گیری

سیاست امنیت خارجی هر کشور عبارت است از یک استراتژی و یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی به منظور دستیابی به اهداف معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین المللی که می تواند ابتکار عمل یک بازیگر یا واکنش آن در قبال کنش دیگر بازیگران در محیط بین الملل باشد. این محیط به همین دلیل جنبه امنیتی به خود گرفته و هر سیستم سیاسی برای حفظ و بقای خود در حقیقت در جستجوی امنیت ملی در محیط بین المللی است و با تغییرات و تحولات سیاسی در سطح بین الملل باید قادر باشد، نقش خود را به نحو موثری در جهت رسیدن به اهداف خود دنبال نماید.

از دیدگاه مورگنتا بنیان گذار مکتب سیاست قدرت در روابط بین الملل معتقد است، هدف نوع سیاست امنیتی چه داخلی و چه خارجی کوشش برای کسب قدرت است و سایت کشورها از سه هدف حفظ قدرت، افزایش قدرت و نمایش قدرت در سیاست خارجی خود به ترتیب از سیاست حفظ وضع موجود، کسب قدرت و پرستیژ پیروی نماید.

از سوی دیگر محیط خارجی هر کشور در نظام بین الملل که می تواند تسهیل کننده (فرصت) و یا مشکل زار (تهدید) باشد، عبارت است از هر پدیده یا موجودیتی که در خارج از قلمرو آن کشور اتفاق می افتد و یا وجود دارد و شناخت این محیط و ساختار حاکم بر آن لازم و ضروری بوده و در این تحقیق ضمن ارائه مفاهیم و معنای مختلفی از محیط، اصول و ویژگیهای حاکم بر محیط شناسی در امنیت بین الملل به شرح زیر بر شماری شده است:

- ۱- حوزه و قلمرو موقعیت جغرافیایی (شرایط و فضا)
- ۲- منافع ملی، اهداف و سیاست های بازیگران
- ۳- نیات و رفتار بازیگران (تصمیم گیری بازیگران)
- ۴- شناخت تهدیدات (تهدید شناسی)
- ۵- آسیب پذیری های قدرت بر بازیگران (آسیب شناسی)
- ۶- توانمندی ها و قابلیت ها (قدرت شناسی)

البته ممکن است اصول و ویژگی های دیگری در محیط شناسی امنیت بین الملل باشد که به نظر می رسد می توان در هر کدام از ویژگی های اشاره شده فوق گنجانده. لذا سؤال تحقیق که تعیین و احصای شاخص ها و معیار های مهم در محیط امنیتی بین الملل در حالت تأثیر پذیری مورد ملاک و ارزیابی خود قرار داده و براساس آن محقق رویکرد مدیریتی خود را تنظیم و به مرحله اجرا در می آورند. در بررسی های به عمل آمده، این محقق هفت شاخص مهم محیطی روابط بین الملل که عمدتاً سابقه تاریخی داشته و هم اکنون اکثراً در سطح بین المللی این شاخص ها وجود دارد، به شرح ذیل تقسیم بندی نموده است.

- | | |
|------------------|------------------------|
| شاخص اول: همکاری | شاخص پنجم: سلطه و نفوذ |
| شاخص دوم: تعارض | شاخص ششم: هژمون |

شاخص سوم: تعهد شاخص هفتم: ایزوله

شاخص چهارم: وابستگی

گرچه هر کدام از شاخص ها ممکن است به نوعی شباهت ها و با تفسیر آن از مبانی و مفاهیم یکسانی برخوردار باشد (مثل سلطه و نفوذ با هژمون و یا همکاری با تعدد) لیکن به دلیل تفاوت ها و تمایز ها در رفتار بازیگران (حداقل و حداکثری) به طور جداگانه به آن پرداخته شده است. سپس با شناخت شاخصها به بحث پایدانی خود یعنی رویکرد های مؤثر مدیریت شاخص های محیطی پرداخته و در تطبیق و تجزیه و تحلیل هر کدام از شاخص ها به طور کلی به پنج رویکرد مدیریت در اتخاذ استراتژی و سیاست خارجی بازیگران در محیط امنیت بین الملل رسیدیم که این رویکردها با ارائه مدل ها و الگوی آن به شرح زیر تعیین گردیده است.

الف) رویکرد تعادل (توازن قوا)

ب) رویکرد حد تعارض (اشتراک منافع)

ج) رویکرد حد اتحاد نائتلاف

د) رویکرد جدایی تا واگرایی

البته اگر بخواهیم ارتباط کشورها با محیط بیرونی آنها را از چهار زاویه و دیدگاه روابط دوستانه، روابط اختلاف آمیز، روابط تناقض آمیز و روابط تضاد آمیز تقسیم کنیم، هر کدام از رویکردها مثلاً رویکرد همکاری، همگرایی، اتحاد و ائتلاف برای روابط دوستانه و بعضی روابط اختلاف آمیز قابل پیاده سازی است، با روابط تناقض آمیز که در آن ناسازگاری بنیادی وجود داشته و به راحتی قابل حل نیست با رویکرد تعادلی و حد تعارض و همچنین در صورت روابط تضاد آمیز که منافع دو کشور در تقابل کامل و حاصل جمع این نوع ارتباط صفر است با اتخاذ رویکرد جدایی و رواگرایی امکان پذیر است. البته در شرایط کنونی و تحولات شگرف و سریع روابط بین الملل اتخاذ هر کدام از رویکردهای مدیریت، بستگی به شرایط و مقتضیات محیط امنیتی داشته و هر بازیگری را چه بسا به طور اجتناب ناپذیر به سمت سوی خود کشانیده و یا با اثر گذاری مناسب و به موقع، و بر تهدیدات مترتب بر آن فایق آید که در این صورت از نظر این محقق از شناخت و درک صحیح از محیط امنیتی بر تهدیدات مترتب بر آن و تکیه بر قابلیت ها و توانایی ها با تلفیق و ترکیب جنبه های مثبت و امکان پذیر شدن رویکردهای مدیریت و

جرح و تعدیل آن در شرایط و مقتضیات زمانی و موقعیتی، حداکثر بهره گیری از فرصت ها در محیط بین المللی را نموده و به صورت اقتضایی هر کدام از رویکرد ها در زمان و موقعیت خاص خودش به منظور تأمین منافع ملی و امنیت ملی دنبال نمود و این نه به این معنی است که دائماً سیاست ها و استراتژی های سیاست خارجی هر بازیگر تغییر یابد، بلکه با اتخاذ اصول و سیاست های ثابت و مستحکم در صحنه بین المللی به دنبال روزنه ها و فرصت هایی که ما را به اهداف و منافع ملی نزدیک می نماید و با اتیکار عمل و نوآوری با هر بازیگر که روابط دوستانه، اختلاف انگیز، تناقض آمیز و تضاد آمیز داریم، رویکرد های خاص مدیریتی را اعمال کنیم و به تعبیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که بر گرفته از دیدگاه مقام معظم رهبری بر پایه عزت، مصلحت، حکمت و اقتدار است، می توان هر رویکردی را در محیط امنیتی بین الملل با عنایت به شاخص های ارزیابی شده، مدیریت و کنترل نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- افتخاری، اصغر "کالبد شکافی تهدید" دانشکده و پژوهشکده فرماندهی ستاد و علوم دفاعی، تهران، ۱۳۸۵
- ۲- ایکنبری، جان، «هژمون آمریکا در قرن بیست و یکم» ترجمه عضیم فضلی پور، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴
- ۳- امامزاده فرد، پرویز، «فزایش زمینه های همگرایی و...» کتاب امنیت بین الملل (۲) مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۷۷
- ۴- بوزان، باری «مشکل امنیت ملی جهان سوم» واحد ترجمه، فصلنامه راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، ۱۳۷۵
- ۵- جلالی، هوشمند " آسیب شناسی اجتماعی در ارتش " فصلنامه دفاعی استراتژیک شماره ۸، ۱۳۸۰
- ۶- خوشوقت، محمد حسین « تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی»، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ انتشارات، ۱۳۷۵
- ۷- روشندل، جلیل، «امنیت ملی و نظام بین الملل» انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۴
- ۸- ربیعی، علی "مطالعات امنیت ملی" دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۳
- ۹- سینپک، تانگ " نظریه نظام واره محیط امنیتی" ترجمه بهناز اسدی کیا، فصلنامه راهبردی رفاهی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی شماره نهم، ۱۳۸۴
- ۱۰- عساریان نژاد، حسین " در آمدی بر آسیب شناسی امنیتی محیط بین الملل " تقریرات کلاسی داعا، ۱۳۸۵
- ۱۱- عبدالمهی، محمد " مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی " تهران، خرداد ۱۳۸۱
- ۱۲- قوام، عبدالعلی " اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل " تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲
- ۱۳- کلییار، کلود آلب " نهاد های روابط بین الملل"، ترجمه هدایت ... فلسف، نشر نو، ۱۳۸۴

- ۱۴- کرمی، جهانگیر "سیاست دفاعی"، پژوهشکده علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین(ع) شماره ۵۲، ۵۳، سال ۱۳۸۴
- ۱۵- کاظم، علیاصغ، "زنجیره تنازعی درسیاست وروابط بین الملل"، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۰
- ۱۶- لارسن، فین "چشم اندازه های نظریه همگرایی منطقه ای تطبیقی" ترجمه یاسر میری، ماهنامه داغا شماره ۶۵و۶۶، ۱۳۸۴
- ۱۷- متقی، ابراهیم، "رهیافت های امنیت بین الملل و فرایند های تحول در امنیت ملی ج.ا.ا." فصلنامه راهبرد دفاعی، مرکز تحقیقات راهبردی، شماره ۱۲، ۱۳۸۱
- ۱۸- مهری، عباس، "بررسی مفهوم امنیت ملی و تأثیر آن در توسعه پایدار" فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک داغا، شماره ۱۵، ۱۳۸۱
- ۱۹- مورگنتا، هانسن، «سیاست میان ملتها» ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۱
- ۲۰- هاروی، استار و بروس راست، "سیاست جهانی" ترجمه علی امید، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۱
- ۲۱- عساریان نژاد، حسین مجموعه مباحث تدریس شده در درس روش شناسی محیط امنیتی، داغا، ۱۳۸۵